

عبادت از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبایی

ابراهیم نوری^۱

منصور نیک پناه^۲

چکیده

عبادت خداوند، دلیل آفرینش انسان از سوی خداوند است. بر این اساس، مفسران مختلف چون به این اصطلاح رسیده اند به توضیح و تبیین مطلب پرداخته‌اند. امام فخر رازی و علامه طباطبایی، از بزرگترین مفسران اهل سنت و تشیع می‌باشند؛ مسلماً نوع نگاه این دو به موضوع عبادت، راهنما و راهگشای بسیاری از ابهامات در باب عبادت است و از طرف دیگر میزان نزدیکی و قرابت علمای اسلام از مذاهب مختلف را در خصوص مبانی دین نشان می‌دهد. این چنین پژوهش‌هایی می‌تواند، مانع از شکاف افکنی و تفرقه سازی معاندان و مخالفان اسلام و مسلمین می‌گردد. در این پژوهشی که از نوع کتابخانه‌یی و با نگاه تطبیقی است، برآنیم تا با لحاظ قرار دادن تفاسیر هر دو نویسنده، دیدگاه‌های آنها را با یکدیگر مقایسه نماییم. در کل با بررسی انجام گرفته، این نتایج حاصل می‌گردد که، عبادت را دارای مراتب و مهمترین هدف آفرینش انسان می‌دانند. با تأمل در کلام علامه و رازی، می‌توان مرز گوهر و صدف عبادت را از دیدگاه ایشان ترسیم نمود و اثبات این امر، ناموجه بودن مدعا و مغالطات کسائی را که از عبادت تفسیرهای عوامانه و غلط ارائه می‌کنند، روشن می‌نماید. شباهت دیدگاه و نگاه دو مفسر مذکور به مسأله مورد بحث مؤید این نکته است که مدعای وهابیون در مسئله عبادت، با فضای نقل و عقل مغایر است.

کلید واژه: عبادت، عبودیت، تفسیر کبیر، فخر رازی، تفسیر المیزان، طباطبایی

بیان مسأله

ابوعبدالله محمد بن عمر فخرالدین رازی معروف به امام فخر، ابن الخطیب و امام المشککین، به سال ۵۴۴ یا به قولی ۵۴۳ ه.ق در شهر ری متولد گردید. (شریف، میان محمد، تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۲، ص ۸۱) وی، مفسر قرآن کریم و در علوم معقول و منقول سرآمد روزگار خود بود. رازی از اندیشمندان کثیرالتألیف جهان اسلام است، مهمترین اثر وی تفسیر قرآن کریم معروف به «تفسیر کبیر» و «مفاتیح الغیب» در ۳۲ جلد می باشد. سیدمحمدحسین طباطبایی (ره) معروف به علامه طباطبایی فیلسوف و مفسر بزرگ معاصر جهان اسلام است. از آثار گرانقدر وی می توان به تفسیر المیزان اشاره نمود.

مسئله عبادت در ادیان به ویژه ادیان الهی دارای تفاسیر متفاوت و در عین حال مشابه یکدیگر است. در جهان اسلام گاهی افرادی با استناد به برخی آیات و روایات، برخی رفتارها، مناسک، مراسم و... را مصداق عبادت دانسته و انجام دهندگان آنها را به اتهاماتی متهم و به احکامی محکوم می کردند. امام فخررازی و علامه طباطبایی دو مفسر و محقق مسلمان هستند که در دو سنت مذهبی متفاوت سیر نموده اند. بررسی کلام این دو محقق - که در علوم نقلی و عقلی سرآمد عصر خود بوده اند- در مسئله عبادت، زمینه مناسبی را برای فهم و داوری در این مسئله اختلافی و کاربردی، مهیا می نماید.

عبادت از دیدگاه فخررازی و علامه طباطبایی

عبادت از جمله واژگانی است که تعریف آن سهل و ممتنع به نظر می‌رسد. از یک سو تمام پیروان ادیان با مصادیق گوناگون عبادت آشنا هستند و از سوی دیگر تعریفی که مورد پذیرش همه اهل فن باشد، وجود ندارد. از باب مثال می‌توان به مسئله توسل و زیارت اهل قبور در میان مسلمانان اشاره نمود، برخی از وهابیون، آن را مصداق عبادت، و حرام می‌دانند و انجام‌دهندگان آن را تکفیر می‌نمایند. (ابن تیمیه، تقی‌الدین، التفسیر الکبیر، ج ۲، ص ۳۰۲ و عبدالوهاب، محمد بن، کشف الشبهات فی التوحید، ص ۵۸-۸۷ و ابوزهره، محمد، تاریخ مذاهب اسلامی، ص ۳۴۸-۳۵۱) در حالی که اهل تشیع گوهر عبادت را چیزی می‌دانند که هرگز توسل و زیارت اهل قبور را در بر نمی‌گیرد.

بی دلیل نیست که محمد رشید رضا می‌گوید: بیان تمام واقعیت عبادت به گونه‌ای که به تمام و کمال، مفهوم اذهان واقع شود صرفاً از طریق بیان لوازم و اوصاف آن امکان‌پذیر است، و تمام تعاریفی که از عبادت ارائه گردیده است خالی از تساهل و اجمال نمی‌باشد و هیچکدام از الفاظ به کار گرفته شده در تعریف آن از قبیل: خضوع، ذل، طاعت و غیره، اگرچه مقاربت و مشابهتی با آن دارد ولی هرگز نمی‌تواند جایگزین آن شود. وی سرانجام عبادت را این گونه تعریف می‌کند: عبادت نوعی خضوع شدیدی (نهایت خضوع) است که ناشی از درک عظمت معبودی می‌باشد که پی بردن به کنه وجود او ممکن نیست. (رشید رضا، محمد، المنار، ج ۱، ص ۵۷)

واژه عبادت در آیات و روایات به دو معنا به کار رفته است: عام و خاص. عبادت به معنای عام شامل دعا، کسب حلال، اخلاق حسنه، علم، عشق (چه به خداوند، چه به انسان ها) و خدمت به هم‌نوع و همه اعمال صالح می‌گردد، و عبادت به معنای خاص، شامل عباداتی چون نماز، روزه، حج، جهاد و... می‌شود. (تفسیر المیزان؛ ج ۱۸؛ ص ۲۶۳ و خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن، ج ۲، ص ۱۴۳۳)

برخی مفسران و پژوهشگران با توجه به آیات و روایات، عبادت را از یک منظر بردو قسم دانسته‌اند: الف) عبادت تکوینی یا غیراختیاری (عام): این قسم از عبادت شامل همه موجودات زمینی اعم از انسان، حیوان و نبات می‌گردد، و غالباً به صورت عبارات اخباری در قرآن آمده است: «يَسْبُحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...» (جمعه/۲) «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ

دوفصلنامه دانشگاه قم: سال یکم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۲

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا...» (رعد/۱۵، ب) عبادت تشریحی یا اختیاری: این نوع از عبادت ویژه موجودات دارای عقل و شعور (دارای نطق) می‌باشد. تقریباً تمام آیاتی که در آنها امر به عبادت خدا گردیده است، متوجه این دسته از موجودات می‌باشد: «...اعْبُدُوا رَبَّكُمْ...» (بقره/۲۱) «اعْبُدُوا اللَّهَ...» (نساء/۳۶) (المیزان؛ ج ۱۸؛ ص ۵۸۱ و جواد آملی، حکمت عبادت، ۱۳۹۱: ص ۲۳)

معنای لغوی عبادت

ارباب لغت، برای واژه عبادت، معانی گوناگونی ذکر کرده اند: اطاعت و پرستش توأم با تواضع و ذلت، بازداشتن و منصرف کردن، (ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۵۹) خضوع و تذلل (اصفهانی، راغب، مفردات، ص ۳۱۹) چیزی را در تصرف و خدمت و مالکیت خود در آوردن (القرطبی، محمد بن احمد الانصاری، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۱۴۵) گردآمدن اطراف چیزی و راه آماده و هموار (معلوف، لویس، المنجد فی اللغة، ص ۴۸۳)، از جمله معانی و کاربردهایی است که برای لغت مذکور ذکر گردیده است. فخر رازی در باب معنای لغوی عبادت چنین می‌گوید: «العبادة هي التذلل، و منه طريق معبد، ای مذلل». (تفسیر الکبیر، ج ۲، ص ۴۵) و آن را مأخوذ از این سخن تازیان می‌داند که می‌گویند «طریق معبد» یعنی «مذلل». (تفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۲۴۶)

معنای اصطلاحی

بهترین راه برای رسیدن به معنای اصطلاحی یک واژه، از جمله مفاهیم اخلاقی - دینی، سعی در توصیف مقوله معنایی یک واژه به وسیله شرایط و اوضاع و احوال کاربرد آن واژه است. تنها با در نظر گرفتن ویژگی های محیطی و متنی یک واژه می‌توانیم به معنای درست و اصیل آن دست یابیم. (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۲۷) گاهی ترجمه لغوی بیش از آنکه روشن کننده باشد گمراه کننده است، اثبات این سخن دشوار نیست نمونه‌های عینی زیادی می‌توان برای تایید آن ذکر نمود. (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ۴۷)

به طور کلی در قرآن کریم عبادت به دو معنی آمده است: الف) پرستش؛ معنای غالب واژه عبادت همین است: «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ» (یونس، ۱۷)

پیش از این
توضیح
نموده شد